کرونا برتری علم بر تفکر خرافی را به‌رخ کشید

گفت‌وگو با دکتر حسین سراج‌زاده، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران درباره تأثیر کووید۱۹ بر سنت و مدرنیته

علی قدیری
a.ghadiri@shahraranews.ir

تاریخ درازمدت ایران به بستری جدید برای جدال میان سنت و مدرنیته بدل شده و پای بحث‌های ریشه‌داری نظیر چگونگی مواجهه علم و دین را به میان آورده است. در بحران کرونا تجددطلبان با دفاع از مرجعیت علمی و لزوم تسلط نظام تخصصی و کارشناسی تاحدی در دولت، دست بالا را دارند و البته از جانب سنت‌گرایان با چالش‌های مختلفی مواجهند. اما شاید مهم‌تر از آن، سرنوشت دین و دین‌داری به‌مثابه مهم‌ترین بخش سنت در فردای پساکرونا باشد. جامعه ایران، دین‌دارتر خواهد شد یا سکولارتر؟ برای پاسخ دادن به این پرسش و بررسی پیامدهای کرونا بر چالش سنت و مدرنیته در ایران با محوریت دین، سراغ دکتر سیدحسین سراج‌زاده رفتیم.

دکتر سراج‌زاده فارغ‌التحصیل دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه اسکس انگلستان است. او هم‌اکنون دانشیار گروه آموزشی جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی تهران و رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران است. وی تاکنون کتاب‌ها و مقالات بسیاری را منتشر کرده است که ازجمله آن‌ها می‌توان به کتاب‌های «چالش‌های دین و مدرنیته: مقالاتی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن»، «زنان و زندگی شهری: زنان و مسائل اجتماعی» و «نگرش‌ها و رفتار دانشجویان» اشاره کرد. مشروح گفت‌وگو با دکتر سراج‌زاده را در ادامه می‌خوانید.

برخی معتقدند که مدرنیته ایرانی به‌نحوی با یک بیماری واگیردار یعنی وبا گره خورده است و به‌نوعی حرکت به‌سوی تمدن جدید در جامعه ایران، از مسیر علوم پزشکی نوین گذشته است. آیا ویروس همه‌گیر کرونا نیز در شرایط کنونی می‌تواند همین نقش را ایفا کند تا به‌دنبال پیامدهای آن، بیش از پیش به‌سمت جهان مدرن حرکت کنیم و از سنت‌ها گسسته شویم؟

فکر می‌کنم این ادعا که مدرنیته ایران یا ورود جامعه ایران به جهان مدرن پس از واگیری وبا در کشور بوده است، اغراق‌آمیز است. مجموعه‌ای از عوامل اتفاق افتاده که باعث شده است ایرانیان به مقتضیات جهان مدرن نظیر علم و فناوری و تجهیز خود به آن‌ها توجه کنند. ناکامی ایرانیان در جنگ‌های ایران و روس و سفر به مغرب‌زمین و دیدن دستاوردهای تمدنی آنان و مقایسه شرایط سیاسی و اجتماعی آن جوامع با شرایط ایران ازجمله این عوامل است. شیوع و همه‌گیری وبا تنها یکی از این عوامل بوده است و سبب شد به علوم پزشکی نوین به فراخور پیشرفت‌های آن زمان توجه شود و بدین ترتیب، برخی باورهای خرافی و نادرست که به‌نام دین مطرح بوده است، به‌طور جدی زیر سوال برود. درنتیجه نباید تنها به یک عامل آن‌هم به‌صورت اغراق‌آمیز و بزرگ‌نمایی‌شده تأکید کرد. این حکم درباره مسئله کرونا هم صادق است. مدت‌هاست که جامعه ایران در مواجهه با مسائل و مشکلات خود و با تأثیرپذیری از عمومیت یافتن آموزش عالی و نشر و بسط تفکرات جدید توسط نهادهای علمی به‌خصوص دانشگاه‌ها و همچنین تجربه ناکامی‌هایی در مدیریت درست جامعه در دهه‌های اخیر، به‌میزان درخور توجهی ویژگی‌های زندگی مدرن را پیدا کرده و با دستاوردهای جدید آشنا شده است؛ به‌عنوان مثال آیا نوع برخورد ما با موضوعی نظیر زلزله در شرایط کنونی با نوع برخورد ما با آن در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی یکسان است؟ هرچه جلو آمده‌ایم، دیگر تحلیل ما از زلزله مبتنی‌بر تحلیل‌های غایی نیست؛ یعنی اینکه زلزله را حاصل اقدام نیروهای فراطبیعی برای مجازات گروه‌هایی از مردم نمی‌دانیم که مرتکب گناه شده‌اند. اگرچه همچنان اقلیت معدودی در هنگام زلزله، این دیدگاه را دارند اما مدت‌هاست که نظام شهرسازی یا حتی سیستم مدیریت کشور که پیشینه دینی هم دارد، به‌سمت ارائه اطلاعات درباره گسل‌های فعال، مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و ایمنی دربرابر زلزله حرکت کرده‌اند. این نمونه و نظایر آن، نشان می‌دهد که پیش از کرونا نیز تحت‌تأثیر عواملی که اشاره کردم، جامعه ما بهره‌مندی‌هایی از تفکر مدرن و دستاوردهای آن داشته است. حال کرونا زمینه بارز و مشخصی را ایجاد کرده و به ما نشان داده است که تفکرات سنتی مذهبی و به‌خصوص از نوع خرافی، قابلیت‌ها و کارآمدی‌های اندکی دارند و تا چه میزان به علم، نظرهای کارشناسی و تخصصی و تفکرات عقلانی برای مدیریت و برنامه‌ریزی نیاز داریم. درنتیجه، علم پزشکی جایگاه برجسته‌ای در جامعه پیدا کرد و وضعیت آن ارتقا یافت، اما این نکته را هم باید در ادامه مسیر پیموده‌شده گذشته تحلیل کرد و نباید کرونا و پیامدهای آن را نوعی تحول انقلابی و بنیادین تفسیر کرد. درحقیقت کرونا کمک می‌کند تا تفکر عقلانی و علمی و نظام کارشناسی و تخصصی در جامعه ایران، جایگاه بهتری به‌دست آورد.

> کرونا کمک می‌کند تا تفکر عقلانی و علمی و نظام کارشناسی و تخصصی در جامعه ایران، جایگاه بهتری به‌دست آورد

بحران کرونا به جلوه‌گاهی از جدال سنت و مدرنیته در ایران بدل شده است و بسیاری از مفاهیم که تا پیش از این در جامعه ما حیات خاص خود را داشته‌اند، در حوزه‌هایی با چالش مواجه یا دچار بی‌اعتباری شده‌اند؛ نظیر آنچه از آن به‌عنوان طب اسلامی یاد می‌شود. آیا محوریت یافتن مرجعیت علمی در بحران کرونا، به همین برهه زمانی محدود خواهد شد یا اینکه تأثیری درازمدت خواهد گذاشت؟

به‌نظرم درباره این موضوع هم نباید

عکس: سعید گلی | شهرآرا

برداشت‌هایی فراتر از واقعیت موجود کرد. پیش از کرونا هم متدینان، مجتهدان و مراجع تقلید، اعتبار علم پزشکی را پذیرفته بودند؛ به‌عنوان مثال اکثریت مراجع تقلید در فتاوی خود درباره تکالیف شرعی واجب نظیر روزه، اعلام کرده‌اند که اگر تشخیص پزشک متخصص این باشد که روزه سلامت فرد را به‌خطر می‌اندازد، نباید این فریضه را به‌جا آورد. این نوع فتاوی از گذشته در فقه موجود است و نشان می‌دهد که اولا اولویت دادن به سلامتی در نزد دین‌داران، امری جدید نیست و پیش از این هم در سنت دینی و فقهی ما وجود داشته است و ثانیا اعتبار بخشیدن به پزشکی، مسبوق به سابقه بوده است. نظر من، این است که حتی پیش از کرونا نیز طب اسلامی در نزد دین‌داران و متدینان به‌عنوان یک جایگزین پزشکی جدید و مدرن، مطرح نبوده است. عموم دین‌داران در ایران، پیش از کرونا نیز مرجعیت پزشکی را پذیرفته بودند و طب اسلامی و سنتی برای آنان تنها به‌عنوان یک روش مکمل بوده است. شاید تنها یک اقلیت دین‌دار در جامعه باشند که همچنان به طب اسلامی به‌عنوان جایگزین و بدیل پزشکی نوین بنگرند و به آن گرایش داشته باشند. نظرسنجی‌های انجام‌گرفته در تهران نیز نشان می‌دهد که تنها یک اقلیت ۲۰ تا ۳۰درصدی به طب سنتی به‌مثابه جایگزین علوم پزشکی جدید گرایش دارند. در مسئله کرونا نیز تنها یک اقلیت از طب اسلامی و سنتی صحبت می‌کنند اما اقلیتی پرسروصدا و پرهیاهو هستند. این سروصدا البته از یک‌سو به‌سبب هیاهوی همین اقلیت است و ازسوی دیگر، گروه‌هایی که علائق و تفکرات ضددینی یا غیردینی دارند، این صداهای ضعیف در جامعه را بسیار برجسته می‌کنند. انگار که همه دین‌داران چنین نظر و تفکری دارند. برخی گروه‌های ایدئولوژیک و نه لزوما سنتی، اساسا با دنیای جدید و علوم نوین مشکل دارند و دربرابر آن، برخوردهای رادیکال نشان می‌دهند و برای توجیه آن از سنت هزینه می‌کنند، درحالی‌که در همین بحران کرونا اگر به دیدگاه‌های مراجع توجه کنیم، می‌بینیم که آنان حاضر به مخاطره افتادن سلامت و جان متدینان نیستند و اعلام کرده‌اند مطابق نظر پزشکان اگر تجمعات در مراکز دینی منجر به این خطر شود، می‌تواند تعطیل شود و مشکلی از این بابت نیست. باید توجه کرد که جدال میان دیدگاه‌های سنتی و نظرهای کارشناسی جدید در شرایط کنونی، می‌تواند به ما کمک کند تا انتظاراتمان را از دین واقع‌بینانه کنیم. در طول سال‌ها در اثر برخوردهای ایدئولوژیک با دین، ابهام‌ها و اغتشاش‌هایی به‌وجود آمده است که برخی، دین را جایگزین همه‌چیز می‌دانند و سعی می‌کنند دین را مجموعه‌ای معرفتی، معرفی کنند که در تمامی حوزه‌ها و زمینه‌ها حرفی برای گفتن دارد و کاربست آن کارآمد است، درحالی‌که این برداشتی درست و واقع‌بینانه از دین نیست و کرونا و مسائل مرتبط با آن، نشان داد که از دین نباید انتظار داشت که کار علم پزشکی را انجام دهد. اگر دین هیچ حرفی هم در موضوع پزشکی نداشته باشد و تنها علم در این حوزه سلطه داشته باشد، هیچ مشکلی برای دین ایجاد نمی‌شود؛ چراکه کارکردهای دین در حوزه‌های دیگر است و اتفاقا دین باید کمک کند که مردم در شرایط بحرانی و خطر با بهره‌گیری از نظام‌های معنایی و معنوی موجود در آن، بهتر بتوانند خود را از نظر روانی برای مقابله با مشکلات تجهیز کنند، نه آنکه دین به‌جای علم پزشکی، راه‌حل درمان بیماری بدهد. علوم بسیاری وجود دارند که با شناخت دقیق از واقعیت‌های طبیعت، جامعه و انسان، راه‌حل مسائل و مشکلات مختلف را مطرح می‌کنند و باید به این علوم تخصصی و کارشناسی اعتماد کنیم و دین نیز در حوزه‌هایی که کارکرد دارد، متمرکز شود. کرونا می‌تواند کمک کند تا این نگاه در جامعه ما مقبولیت بیشتری پیدا کند و دیدگاه‌هایی که برداشت حداکثری از دین را تبلیغ می‌کنند و می‌خواهند آن را به‌جای همه علوم بنشانند، به‌حاشیه بروند.

> دین هم در جامعه ایران ریشه‌دار است و هم اینکه کارکردهای خاص خود را دارد من بعید می‌دانم که با یک دین‌گریزی شدید مواجه شویم

در روزگار کرونایی پس از تعطیلی آمرانه مراکز مذهبی و مقاومت برخی گروه‌های مذهبی، شکل مناسک باتوجه‌به شرایط تاحدی تغییر کرد؛ مثلا مردم، برخی مناسک را به‌صورت فردی به‌جا آوردند و برخی دیگر را در بستر فضای مجازی. بر این اساس، دین‌داری جامعه ایران در فردای پساکرونا چه تحولاتی پیدا خواهد کرد؟

تحت‌تأثیر تجربه کرونا حتما شاهد تغییراتی در این زمینه خواهیم بود؛ به‌خصوص برخی باورهای دینی که درباره بلایای طبیعی، تبیین‌های غایی ارائه می‌کردند، جای خود را به تبیین‌های عقلانی خواهند داد و در این مسیر حرکت خواهیم کرد اما در موضوع مناسک، فکر می‌کنم مقاومت پرسروصدای گروه‌های ایدئولوژیک دربرابر تعطیلی مراکز دینی و البته بازتاب وسیع اقدام آنان ازسوی برخی گروه‌های غیردینی و اشاعه آن به‌عنوان کلیت دین، سبب دین‌گریزی‌هایی در عرصه اجتماعی می‌شود یا گرایش‌های از پیش‌موجود این‌چنینی را تشدید خواهد کرد، با این حال، با توجه به اینکه دین در جامعه ایران هم ریشه‌دار است و هم اینکه کارکردهای خاص خود را دارد و پاسخ‌گوی مشکلات، ناملایمات و ناکامی‌ها، نیازهای اساسی و پرسش‌های هستی‌شناسانه انسان‌هاست و به‌مثابه یک نظام معنایی التیام‌بخش و آرامش‌بخش دراختیار آن‌هاست، من بعید می‌دانم که با یک دین‌گریزی شدید در جامعه ایران مواجه شویم. بیشتر با تفسیرهای عقلانی‌تر از دین و دین‌داری در جامعه مواجه خواهیم شد و این دیدگاه‌ها غلبه پیدا خواهند کرد؛ هرچند که این غلبه به‌معنی از بین رفتن دیدگاه‌های سنتی درباره دین نیست، کما اینکه در کشورهای توسعه‌یافته نظیر آمریکا نیز همچنان تفسیرهای سنتی و آمیخته به خرافه از دین، حیات دارد و از بین نرفته است. از نظر فردگرایانه‌تر شدن مناسک هم فکر می‌کنم پس از کرونا، تجربیات دینی در خلوت و تنهایی و در حوزه خصوصی، تقویت خواهد شد اما بازهم مناسک جمعی در حوزه دین و جامعه، کارکردهای ویژه خود را دارند و پس از عادی شدن شرایط، دوباره تجدید خواهند شد و ادامه پیدا خواهند کرد.

کوتاه از کرونا

مبتلایان کرونا در ایران به مرز ۱۵۰هزار نفر رسید

کرونا همچنان قربانی می‌گیرد و همچنان آمار هر روزه ابتلا به این ویروس در کشورمان بی‌شمار است، به‌گونه‌ای‌که تا ظهر روز گذشته و در فاصله ۲۴ساعت، ۲۲۸۲ابتلا و ۵۷فوتی جدید در کشور به ثبت رسیده و آمار مبتلایان نیز به نزدیک ۱۵۰هزار نفر رسیده است.

با اعلام کیانوش جهانپور، سخن‌گوی وزارت بهداشت، وضعیت خوزستان همچنان قرمز است، ضمن اینکه از بین مبتلایان جدید، ۴۳۵نفر بستری شدند و ۱۸۴۷بیمار نیز به‌صورت سرپایی خدمات‌رسانی شدند. آمار مبتلایان نیز به ۱۴۸هزار و ۹۵۰نفر رسید.

به گفته وی، آمار فوت‌شدگان با احتساب رقم‌های جدید، به ۷هزار و ۷۳۴نفر رسید و ازسوی دیگر شمار بهبودیافتگان نیز به ۱۱۶هزار و ۸۲۷نفر رسیده است. در این میان، ۲۵۳۳نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در وضعیت وخیم این بیماری تحت مراقبت هستند و تاکنون ۹۱۵هزار و ۹۹۸آزمایش تشخیص کووید۱۹ در کشور انجام شده است. اکنون استان‌های آذربایجان‌شرقی و غربی، لرستان، کردستان، کرمانشاه، اصفهان و هرمزگان در وضعیت هشدار قرار دارند.

شیر سالم؛ راهکار مبارزه با کرونا

درمیان همه راهکارهایی که اخیرا برای مبارزه با کرونا پیشنهاد می‌شود، دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز با شعار «شیر سالم بنوش، با کرونا بجنگ» از هموطنان برای پیوستن به بسیج جهانی مصرف شیر، دعوت کرده است.

به گزارش ایسنا، به پیشنهاد سازمان جهانی خواروبار (FAO)و با اعلام سازمان ملل متحد، ۱۱خرداد به‌عنوان روز جهانی شیر جشن گرفته می‌شود. در سال گذشته بیش از ۶۰کشور در این جشن جهانی شرکت کرده بودند و بیش از ۴۰۰برنامه مختلف در این روز برگزار کردند. اکنون نیز با شیوع کرونا، توصیه‌ها برای استفاده بیشتر از شیر و محصولات شیری همانند ماست، کشک کم‌نمک، پنیر و دوغ کم‌نمک بیشتر شده است.

عوارض شدید کووید۱۹ در سیگاری‌ها

در شرایطی که هشدارها درباره مصرف دخانیات و خطر ابتلای بیشتر به کرونا دربین مصرف‌کنندگان دخانیات بیشتر شده است، رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل دخانیات کشور، با بیان اینکه مصرف‌کنندگان دخانیات در معرض خطر شدید عوارض ناشی از ابتلا به ویروس کرونا هستند، اظهار کرده است: تولیدکنندگان مواد دخانی به ترفند جدیدی با عنوان ترفند صنایع دخانی، برای ترویج سیگارهای الکترونیک با ادعای بی‌خطر بودن آن و جایگزینی مناسب برای سیگارهای معمولی و قلیان روی آورده‌اند.

بهزاد ولی‌زاده به ایسنا این‌گونه گفته است: استعمال دخانیات یک عامل خطر برای بسیاری از بیماری‌هاست و سالانه موجب مرگ بیش از ۸میلیون نفر در جهان می‌شود. ارتباط بین مصرف دخانیات و بروز سرطان ریه، موضوعی کاملا ثابت‌شده است و مصرف محصولات دخانی، شایع‌ترین علت بروز سرطان ریه است. علاوه‌بر این، مصرف دخانیات به میزان درخور توجهی خطر ابتلا به بیماری سل را افزایش می‌دهد.

یادداشت

بلای عادی شدن کرونا

مهدی عسکری
روزنامه‌نگار

در ماجرای کرونا به دورانی رسیده‌ایم که شاید بتوان از آن به‌عنوان دوران بی‌تفاوتی یاد کرد؛ دورانی که اغلب ما خطر را می‌شناسیم، عوارض رعایت نکردن بهداشت فردی، فاصله‌گذاری اجتماعی و سرپیچی از نکات توصیه‌شده بهداشتی را هم می‌دانیم، مطلع هستیم که در شرایط هشدار هستیم(به‌ویژه در خراسان‌رضوی و طبق اعلام وزارت بهداشت در ۶استان دیگر) اما درعین‌حال به نوعی رخوت اجتماعی رسیده‌ایم؛ رخوتی که بیشتر به‌دلیل عادی شدن نگرش مردم به بیماری کرونا ایجاد شده است. به عبارت بهتر، دیگر ماسک نمی‌زنیم، فاصله دست شستن‌هایمان بیشتر شده است و خرید مواد ضدعفونی‌کننده هم سهم کمتری در سبد خانوارمان دارد و درست همین نقطه است که جامعه‌شناسان از آن به‌عنوان عادی شدن ترس یاد می‌کنند که در نگاه اول شاید مواجه شدن مستقیم با ترس مطلوب باشد اما قطعا منشأ برخی انتحارهای اجتماعی خواهد بود که در ماجرای کرونا به شیوع موج دوم بیماری تعبیر می‌شود. برخلاف تمام روزهای اسفند و فروردین و نیمی از روزهای اردیبهشت که اگر در هنگام مواجهات رودررو از ماسک و دستکش استفاده نمی‌کردیم، همه از ما دوری می‌کردند، حالا در اتوبوس، تاکسی، فروشگاه‌های بزرگ، پارک‌ها و... کمتر کسی را می‌شناسیم که از ماسک استفاده کند و به روایت آنچه می‌بینیم، همه به این بیماری به‌چشم یک بیماری عادی نگاه می‌کنند و این درحالی است که هنوز خبری از کشف واکسن نیست، آمارهای ابتلا به ویروس کرونا که در کشورمان سه‌رقمی شده بود، حالا به بیش از ۲۵۰۰نفر در روز رسیده است و شمار فوتی‌ها هم معمولا کمتر از ۵۰نفر نیست. همه این‌ها نشان می‌دهد که همچنان باید مراقب باشیم. همچنان باید خطر را احساس کنیم و همچنان باید پروتکل‌های اجتماعی را رعایت کنیم. در این میان، رفع برخی محدودیت‌های اجتماعی توسط دولت اگرچه به‌دلیل حمایت از کسب و پیشه و بازار بوده است، به معنای آزادسازی تعاملات اجتماعی و بازگشت به دوران پیش از کرونا نیست.

اگر نگاهی به روند ایجاد حساسیت‌زایی تبعات کرونا در رسانه ملی نیز بیندازیم، حتی رسانه ملی و دیگر رسانه‌ها نیز با فاصله معناداری از گذشته، درمورد ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی، برنامه می‌سازند و منتشر می‌کنند، به‌هرحال آنچه مشخص است، اینکه رویه بی‌تفاوتی مردم دربرابر ادامه حضور کرونا، به هیچ عنوان مطلوب نیست. درست است که از جذابیت اخبار کرونا در رسانه‌ها کاسته شده و شاید تولید محتوا در این زمینه نیز در برخی مواقع به ورطه تکرار افتاده است، ولی نمی‌توان منکر این قضیه شد که کرونا دیگر نیست، دیگر خطر ندارد و باید با آن عادی برخورد کرد.

لعیا جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور:

کشور باید یک طرح جامع حقوقی در دوران کرونا و پساکرونا داشته باشد تا ابعاد حقوقی و آثار و مسائل حقوقی را که این بیماری به بار می‌آورد، پیش‌بینی کند و برای آن‌ها علاج داشته باشد. سازمان حقوقی دولت باید ابعاد حقوقی دوران پساکرونا را بسنجد و برایش برنامه و راهکار بیندیشد.